



تصویر ۲۸-۱- رستم در دربار کیقباد، اثر آقامیرک، خمسه نظامی، قرن دهم هجری، موزه بریتانیا

اروپایی دست به دست خرید و فروش شد به نام صاحب آن گردید و اکنون بخشی از آن توسط جمهوری اسلامی خریداری و به ایران بازگردانده شده است که فعلاً برای بازدید عموم، در موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می شود (تصویر ۲۹-۱).

یکی از آثار معروف این دوره شاهنامه‌ای بود که به شاهنامه‌ی شاه طهماسب معروف گردید. این اثر، دارای دویست و پنجاه و هشت تصویر به شیوه‌ی مکتب تبریز از آثار سلطان محمد، میرک نقاش، میرسیدعلی و... است که در دوران ریاست بهزاد و پس از آن در تبریز اجرا شده است. این شاهنامه که بعدها به دست دلان



سوی خانجیدون شیت فراوان شومید و کسر انیت

تصویر ۲۹-۱- کشتار حیوانات اهلی به دست ضحاک (بخشی از اثر)، شاهنامه شاه طهماسب، اثر سلطان محمد، قرن دهم هجری موزه هنرهای معاصر تهران

خوشنویسی ماهر نیز بود و از قدرت فوق‌العاده‌ای در طراحی و خط بهره داشت، در دربار همایون و اکبرشاه، مقام و منزلت بلندی یافت. این دو، در دربار هند به مصور کردن کتب و تعلیم شاگردان مشغول شدند. از آن پس تعداد زیادی از هنرمندان به هند سفر کردند و در آنجا ماندگار شدند، بدین‌گونه نقاشی ایرانی به هند برده شد و مکتب نقاشی هند پایه‌ریزی گردید (تصویر ۳۰-۱).

در دوران سلطنت شاه طهماسب، همایون پادشاه هند از سلطنت خلع شد و برای دریافت کمک به دربار ایران پناهنده گردید. او وقتی که از تبریز دیدن کرد و در دربار پادشاه با کار هنرمندان ایرانی آشنایی یافت پس از بازگشت به سلطنت در هند با اجازه‌ی شاه طهماسب دو هنرمند عصر، یعنی عبدالصمد و میرسیدعلی، شاگردان بهزاد را با خود به هند برد. عبدالصمد که



تصویر ۳۰-۱- بابرشاه بر تخت، بابرنامه، اثر فرخی‌بیگ، قرن دهم هجری، واشنگتن

مکتب قزوین

شاه طهماسب در سال ۹۵۵ هجری، پایتخت خود را از تبریز به قزوین انتقال داد و هنرمندان را از تبریز و دیگر نقاط کشور به آنجا دعوت کرد. او در قزوین کاخی ساخت و هنرمندان زیادی که خود شاه در رأس ایشان قرار داشت مشغول تزیین کاخ شدند. بدین گونه مکتب نقاشی قزوین - که زیر بنای مکتب نقاشی اصفهان شد - پی ریزی گردید.

در نقاشی‌های مکتب قزوین، دیگر گرایش به نمایش جزئیات و ظرافت کاری دقیق وجود ندارد. حالت کلی تابلو ساده‌تر شد و

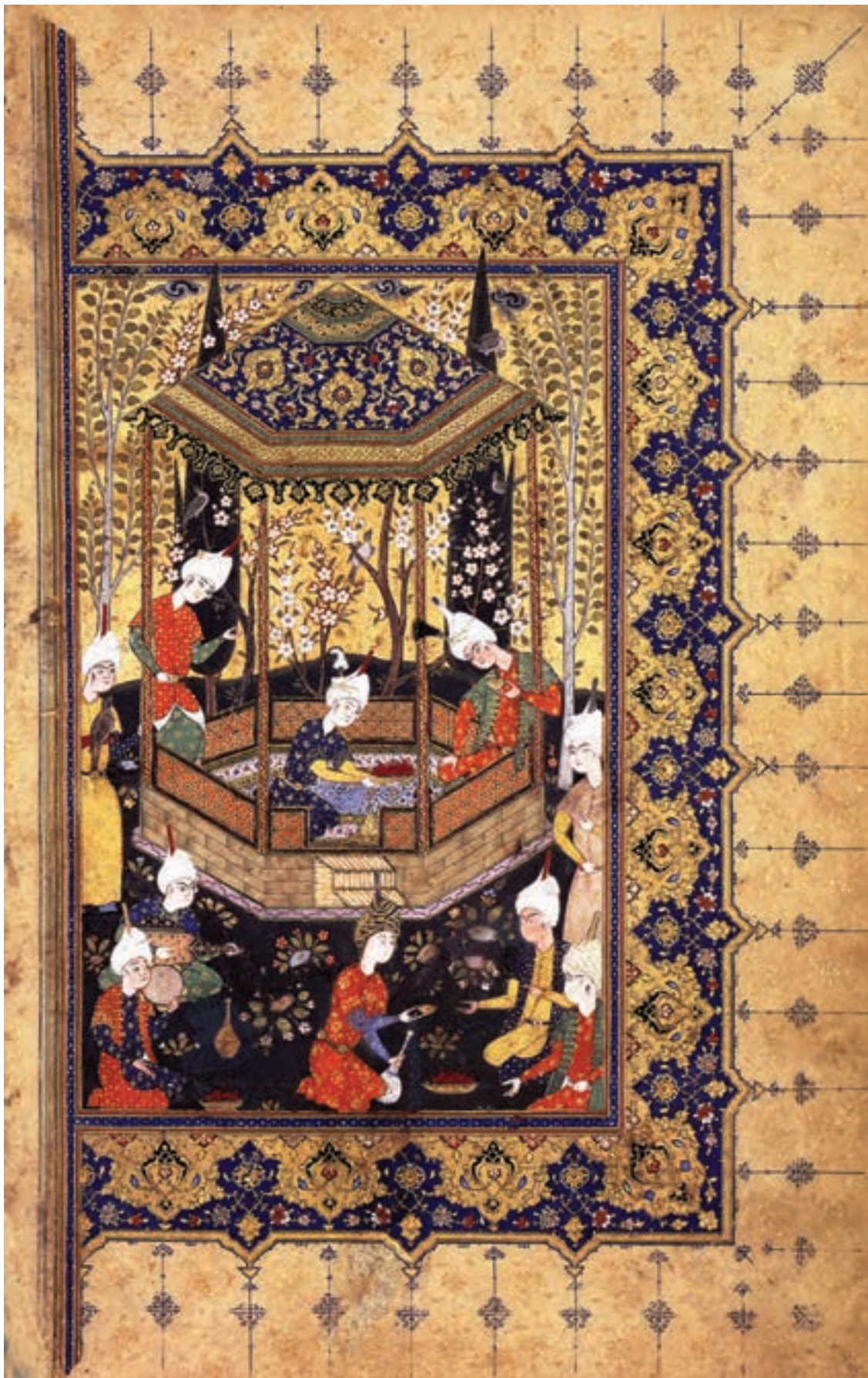
حرکات، طبیعی‌تر گشت و کم‌کم نوعی طبیعت‌گرایی که در مکاتب بعدی با شدت بیش‌تری بروز کرد، در این دوره دیده شد، در آثار نقاشی مکتب قزوین توجه به موضوعات درباری و جنگ و جدال کم‌تر شد و هنرمندان به موضوع‌های عمومی و زندگی روستایی پرداختند. در این تصاویر، از عمامه‌های دوازده ترکی با میله‌ی قرمز اثری نیست، اغلب تصاویر در کتب به صورت جفتی اجرا شده و معمولاً دو تصویر با یک کادر به تصویر درآمده است. در این دوره مجدداً نقاشی دیواری آغاز گردید و ما شاهد آثار بسیار زیبایی در کاخ قزوین هستیم (تصاویر ۱-۳۱ و ۱-۳۲).



تصویر ۱-۳۱- کار در مزرعه با دورنمای شهر، اثر محمدی، مکتب قزوین، قرن دهم و یازدهم هجری، موزه توپکاپی استانبول



تصویر ۱-۳۲- بزم، نقاشی دیواری، مکتب قزوین، قرن دهم هجری، کاخ چهلستون قزوین



تصویر ۳۳-۱- درباری در باغ، اثر عبدالله مذهب، مکتب مشهد، قرن دهم هجری، کاخ گلستان تهران

در این دوره گونه‌ای از تک چهره‌سازی که از مکتب هرات آغاز شده بود مرسوم گردید. در این شیوه، هنرمندان با استفاده از قلم‌گیری و تشعیر به چهره‌سازی می‌پرداختند. رونق هنری قزوین دیری نپایید. چرا که شاه طهماسب به‌علت گرفتاری و بیماری و قیام برادرانش سام میرزا و الفاس میرزا حمایت خود را از امور هنری کاهش داد و یا شاید به‌علت تعصب شدید مذهبی که پیدا کرده بود دیگر به نقاشی علاقه‌ای نشان نمی‌داد. در نتیجه هنرمندان بسیاری برای یافتن حامیان جدید، راهی گوشه و کنار کشور شدند. در این دوره، ابراهیم میرزا حاکم مشهد به حمایت هنرمندان برخاست و هنرمندان زیادی را از تبریز، قزوین، هرات و شیراز به سوی خود خواند. این هنرمندان، مکتب نقاشی مشهد را به وجود آوردند (تصویر ۳۳-۱). گرچه این مکتب عمر کوتاهی داشت اما تأثیر چشمگیری در مکاتب بعدی نقاشی برجای گذاشت.

هنرمندان در مشهد به کار مشغول بودند تا این که شاه اسماعیل دوم به سلطنت رسید. او کتابخانه‌ی سلطنتی را دوباره در قزوین برپا کرد و هنرمندان نامداری چون شیخ محمدشیرازی، علی اصغر کاشانی، عبدالله شیرازی، صادق بیگ، سیاوش محمدهراتی و... را در کتابخانه به کار گمارد، ولی حکومت او دو سال بیش‌تر دوام نیافت. در این دوره، آثار تک چهره‌سازی که مرسوم شده بود رواج فراوان یافت و آقارضا پسر مولانا علی اصغر کاشانی که در طراحی مخصوصاً در کشیدن چهره شهرت یافته بود ظهور کرد. کشیدن تک چهره به‌صورت قلم‌گیری تک رنگ با حلقه‌های مو و ریش و چین و چروک لباس و شال کمر بند نشانه مهارت بالای نقاشان این زمان است.

این شیوه توسط هنرمندان مکتب قزوین دنبال شده و در دوران صفوی نیز ادامه یافت (تصویر ۳۴-۱).



تصویر ۳۴-۱- نوازنده‌ی رباب، اثر محمدجعفر، مکتب قزوین، قرن دهم هجری، کتابخانه‌ی بریتانیا

مکتب اصفهان

با گذشت یک دوره هرج و مرج ده ساله پس از شاه طهماسب، شاه عباس شانزده ساله، صاحب تخت و تاج گردید. وی در ابتدا ناگزیر مناسباتی با دشمنان خود برقرار ساخت و در اوایل قرن یازدهم، مرز شرقی را در برابر ازبکان مقاوم ساخت و پس از آن ترکان عثمانی را به کلی شکست داد. وی در سال ۱۰۰۹ هجری پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و در این شهر خیابان‌ها و عمارات مجلل بسیار ساخت. نحوه‌ی پادشاهی و دیوان‌سالاری شاه‌عباس موجب شد که سلیقه‌ی او در کلیه شئون زندگی مردم منعکس گردد. از همین روست که علاقه‌ی شاه‌عباس و پادشاهان بعد از او، به محصولات خارجی و خود

باختگی اینان در مقابل غرب، در تمام کشور و بین تمام اقشار جامعه رخنه کرد. از همین جا غربی شدن تدریجی تکنیک نقاشی ایرانی و تأثیرپذیری آن از موضوعات نقاشی اروپایی آغاز گردید. در این دوره به علت علاقه‌ی شخصی شاه عباس به بناسازی به تقلید از شاه‌جهان در هند، نقاشی دیواری بیش از کتاب آرایه مورد توجه قرار گرفت. به همین دلیل هنر کتاب آرایه تا حدود بسیار زیادی محدود گردید و هنرهای وابسته به آن کم از یاد رفت و برعکس، هنرهای وابسته به معماری افزایش یافت. نمونه نقاشی‌های دیواری این دوره را در عمارت‌های مجلل اصفهان مانند کاخ عالی قاپو، کاخ چهلستون، سر در بازار قیصریه، کاخ هشت بهشت، و... می‌توان دید (تصاویر ۱-۳۵ و ۱-۳۶).



تصویر ۱-۳۵- در باغ، نقاشی دیواری، مکتب اصفهان، قرن یازدهم هجری، کاخ چهلستون اصفهان

شدن صورتگران ایرانی با روش چهره‌نگاران اروپایی، هنرمندان اروپایی را از کشورهای ایتالیا (میلان و ونیز)، فرانسه، هلند و دیگر کشورها به ایران فراخواند و بدین ترتیب کم‌کم حالت‌های طبیعت‌گرایی در آثار نقاشان ایرانی پیدا شد.

در این دوره، هنرمندان کم‌کم از زیر حمایت دربار بیرون آمدند و مستقلاً به کار مشغول شدند. صورت‌نگاری و تک‌چهره‌سازی که با خوی فردگرایی شاه‌عباس و سایر درباریان مناسبت داشت، گسترش بیش‌تری یافت. شاه‌عباس به‌منظور آشنا



تصویر ۳۶-۱- جوان نشسته، نقاشی دیواری، مکتب اصفهان، قرن یازدهم هجری، عمارت عالی‌قاپو در اصفهان

کوه‌های استوار، ساختمان‌های مجلل، نهرهای آب و تزیینات فراوان خبری نیست، بلکه در زمینه‌ی تصاویر، معمولاً به‌نیم‌تنه‌ی درختان کوتاه، بوته‌های کوچک و شاخه‌های پراکنده اکتفا شده است. در این تصاویر، اشخاص به‌تنهایی یا دوتایی رسم شده‌اند و دیگر از مجالس شلوغ و پرجمعیت خبری نیست. از شدت و جلای رنگ‌ها کاسته و تصاویر به یک یا چند رنگ هم‌خانواده محدود شده است. قلم‌گیری‌ها حالت سایه‌روشن به‌خود گرفته و چهره‌ها به‌وسیله‌ی پرداز، اجرا شده‌اند (تصویر ۳۷-۱).

یکی از هنرمندان به‌نام این دوره که طراحی ماهر و با ذوق بود و قلمی روان داشت، رضا عباسی است. او ضمن به‌کار بردن مقدار کمی رنگ و تنها با اکتفا به ترسیم خطوط، آثاری انتزاعی و اغراق‌آمیز برجای گذاشت. روانی قلم، وجود تأکید و نازکی و لطافت خطوط، از ویژگی‌های آثار این هنرمند نامدار مکتب اصفهان است. در طرح‌های او به چین و چروک، شال‌های بلند و خرقه‌ی درویشان و کمر بند اشخاص به‌اندازه‌ای اهمیت داده شد که حالتی اغراق‌آمیز به‌خود گرفت. در آثار این هنرمند و هنرمندان معاصر او، دیگر از مناظر زیبا و درختان گوناگون، بوته‌های رنگارنگ،



تصویر ۳۷-۱- ساقی، اثر رضا عباسی، مکتب اصفهان، قرن یازدهم هجری، موزه رضاعباسی، تهران

در این زمان نفوذ نقاشی اروپایی در نقاشی ایرانی کم کم رواج یافت و هر روز بیش تر شد که دلایل عمده‌ی آن را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

الف - علاقه‌ی شخصی شاه‌عباس و درباریان او به نقاشی غرب.

ب - شرایط سیاسی و اقتصادی عهد شاه‌عباس و جانشینان او.

ج - سلیقه‌ی مشتریان اروپایی در زمینه‌ی پارچه‌های زربفت، فرش‌ها و دیگر آثار هنری ایران.

د - نقشی که هنر عهد مغول در انتقال جنبه‌های معینی از

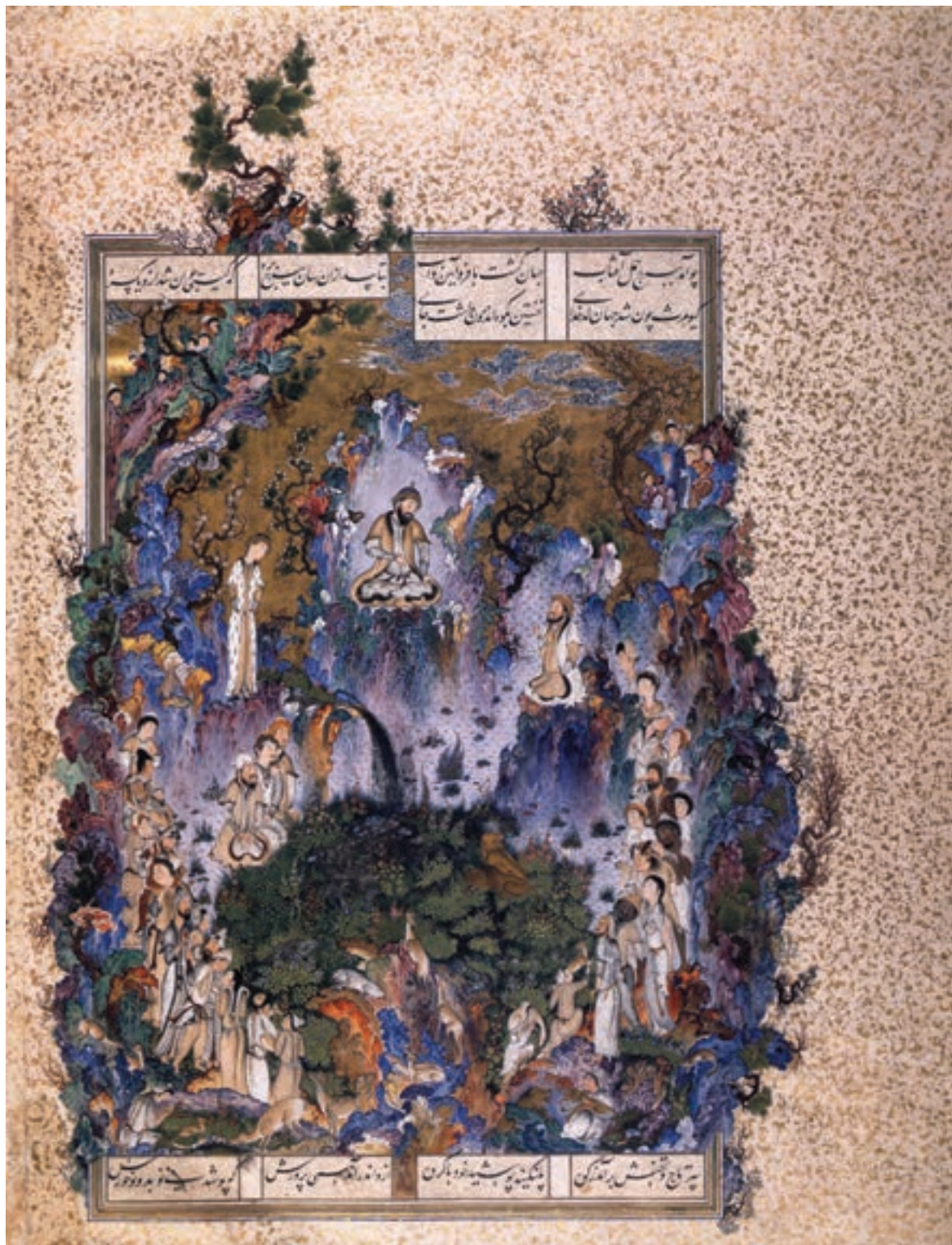
نقاشی سده شانزدهم اروپا و نقاشان مسیحی در ایران داشت. ه - وجود آرامنه‌ی ساکن جلفای اصفهان و ارتباط دائم ایشان با اروپا و وجود پاره‌ای از هنرمندان اروپایی که برای نقاشی کلیساهای اصفهان به این شهر آمده بودند.

و - حضور هنرمندان و جهانگردان اروپایی سده‌ی هفدهم در دربار صفوی.

ز - ورود آثار هنری بی‌شمار و ارزان اروپایی به ایران. ح - توجه و علاقه وافری که هنرمندان و درباریان و عامه مردم به فرهنگ اروپایی پیدا کرده بودند که نوعی خودباختگی فرهنگی به‌شمار می‌رفت.

و مخصوصاً صحنه‌های بزم و شکار و جنگ به تقلید از آثار
مکتب هرات می‌باشد. مانند آثار سلطان محمد، میرک نقاش،
مظفرعلی و... (تصویر ۳۸-۱)

نگارگری عهد صفوی شامل سه مکتب (تبریز در دوره
دوم، قزوین و اصفهان) و پنج گرایش می‌باشد که عبارتند از:
۱- گرایش اول: نقاشی عهد صفوی شامل مناظر درباری



تصویر ۳۸-۱- بارگاه کیومرث اولین شاه، شاهنامه شاه طهماسب، اثر سلطان محمد، مکتب تبریز در دوره دوم، قرن دهم هجری، مجموعه خصوصی، ژنو

بافندگان دیده می‌شود. مانند آثار محمدی (تصویر ۳۹-۱).

۲- گرایش دوم: مناظر طبیعی روستایی، مناظری از زندگی شبان‌ها و زنان روستایی در حین کار، نوازندگان نی، ریسندگان و



تصویر ۳۹-۱- عشق مجنون، کتاب سلسله‌الذهب، اثر محمدی، قرن دهم هجری

می‌شد مانند کارهای رضا عباسی و شاگردانش (تصویر ۴۰-۱).

۳- گرایش سوم: توجه به چهره‌نگاری است که اغلب از سوی شاهزادگان، بزرگان، و درباریان به هنرمندان سفارش داده



تصویر ۴۰-۱- وزیر خلیفه سلطان، اثر معین مصور (شاگرد رضا عباسی)، مکتب اصفهان، قرن یازدهم هجری

هنرمندان این گرایش می‌توان معین مصور را نام برد (تصاویر ۱-۴۱ و ۱-۴۲).

۴- گرایش چهارم: توجه به نقاشی در بناهای مجلل، نقاشی روی قاب آینه، قلمدان و جعبه‌ها رواج پیدا کرد. از



تصویر ۱-۴۱- محمدخان در دربار شاه‌عباس، نقاشی دیواری، مکتب اصفهان، قرن یازدهم هجری، کاخ چهلستون اصفهان



تصویر ۱-۴۲- قلمدان، نقاشی لاک‌روغنی، مکتب اصفهان، قرن یازدهم، مجموعه خصوصی، لندن

اصفهان» خوانده‌اند. این هنرمندان عبارتند از: شفیع عباسی، محمدزمان، علی‌قلی بیک جبه‌دار، ... (تصویر ۱-۴۳).

۵- گرایش پنجم: شامل هنرمندانی است که تحت تأثیر مستقیم نقاشی‌های اروپایی و آثار ایشان قرار گرفتند و حرکت جدیدی در نقاشی ایرانی پدید آوردند که آن را «مکتب ایتالیا



تصویر ۴۳-۱- زن ایستاده در کنار فواره، اثر علی قلی بیگ جبّه‌دار، مکتب ایتالیا اصفهان، اواخر قرن یازدهم هجری، مجموعه خصوصی

مکتب شیراز در دوره‌ی دوم (زندیه)

پس از دوره‌ی پر آشوب حمله‌ی افغان‌ها و بروز هرج و مرج در سراسر کشور، نادرشاه با پیروزی بر آنان تاج و تخت را به تصرف درآورد. اما حکومت او چندان دوام نداشت. پس از این دوره کریم خان زند به سلطنت رسید. وی سلطنت خود را بر تمام نواحی ایران، به غیر از خراسان گسترش داد و شیراز را به پایتختی برگزید. کریم خان در طی سال‌های حکومت خود در شیراز،

زمینه‌های مناسب و پرثمری برای رشد و آبادانی ایجاد کرده و بناهای دولتی زیادی را ساخت. شیراز که جایگاه شاعران بزرگی چون حافظ و سعدی و نیز وارث ارزش‌های سنتی نقاشی مکتب شیراز عهد مغول و تیمور بود، این بار مرکز و پایتخت حکومت قرار گرفت و پایگاه هنرمندان شد.

گرایش‌هایی که در اواخر دوران صفوی رواج داشت، تداوم یافت و هنرمندانی که هنوز در قید حیات بودند، شاگردانی تربیت

مرغ‌سازی در مکتب شیراز به عالی‌ترین درجه خود رسید، از این‌رو، مکتب شیراز را «مکتب گل و بوته» نیز نامیده‌اند (تصویر ۱-۴۴).

کردند که مکتب شیراز دوران زندیه را به‌وجود آوردند. در این دوره، عده‌ای از هنرمندان به تصویرسازی گل‌ها و گیاهان که با الهام از شیوه اروپایی نقاشی می‌شد، علاقه نشان دادند. آغازگر این شیوه، شفیع عباسی پسر رضاعباسی بود. شیوه‌ی گل و



تصویر ۱-۴۴- دو گل با نوار آبی، مکتب شیراز، قرن دوازدهم و سیزدهم هجری

مکتب شیراز تا اواخر دوره‌ی مظفرالدین شاه قاجار با خلاقیت هنرمندان گمنام و نام‌آشنا، دوام یافت (تصاویر ۱-۴۵ و ۱-۴۶).

هنرهای همچون ساخت و ساز قلمدان، جعبه‌ی قرآن، قاب آئینه و ... هنرهای وابسته به معماری مانند گچ‌بری، منبت‌کاری، آئینه‌کاری، مشبک‌کاری، حجاری، کاشی‌سازی و ... در این دوران حیاتی دوباره یافت.

مکتب تهران

پس از سلطنت کریم‌خان زند، اختلاف زیادی بین جانشینان او و آقا محمدخان که از قبایل ترک قاجار بود روی داد. در نهایت آقا محمدخان با غلبه بر جانشینان کریم‌خان، توانست سلسله‌ی جدیدی تشکیل دهد و تهران را به پایتختی برگزیند. اما پس از چندی آقا محمدخان به قتل رسید و برادرزاده‌ی او باباخان پسر حسینعلی خان جهانسوز که در شیراز به سر می‌برد به سرعت خود را به تهران رسانید و با نام فتحعلی‌شاه به تخت نشست. فتحعلی‌شاه به هنرمندان نقاش توجه خاصی داشت و تصویرگران در دربار او به‌طور مستمر مشغول کشیدن تصاویر شاه در حالت‌های مختلف بودند. این تصاویر، اغلب با رنگ روغن و به اندازه‌ی طبیعی کشیده می‌شد. دیوارکاخ‌ها و سراها انباشته از مجالس نقاشی دیواری بود که اغلب، تصاویر سلطان و رقاصه‌ها و بانوان حرم‌سرا و مجالس عیش و عشرت شاه را ارائه می‌کرد (تصویر ۴۷-۱).



تصویر ۴۵-۱- جلد قرآن، لاک، گل و مرغ، مکتب شیراز



تصویر ۴۷-۱- شاهزاده قاجار و محافظ، رنگ روغن روی بوم، مکتب تهران، قرن سیزدهم هجری



تصویر ۴۶-۱- تصویر جلد لاک‌ی با طرح گل زنبق مکتب شیراز

تصاویر اشخاص را به شیوه پرداز اجرا می کردند (تصویر ۴۸-۱).

علاوه بر نقاشی دیواری و نقاشی روی بوم در این دوره نوعی نقاشی آبرنگ بر روی کاغذ نیز رواج پیدا کرد که بیش تر



تصویر ۴۸-۱- خسروخان کرمانی، شیوه پرداز، اثر ابوالحسن غفاری (صنیع الملک) مکتب تهران، قرن سیزدهم هجری، کتابخانه بریتانیا

شاه یا پیمان نامه ها به صورت تصاویر کوچک، همراه با گل و بوته در حاشیه یا لابه لای صفحه ها کشیده می شد (تصویر ۴۹-۱).

نقاشی با رنگ های جسمی روی رنگ طلایی زمینه یا متن بر روی صفحات اول کتب دست نویس، برخی از دست نوشته های



تصویر ۴۹-۱- نامه فتحعلی شاه به سفیر انگلستان، رنگ و مرکب و طلا روی کاغذ، مکتب تهران، قرن سیزدهم هجری، لندن

پس از فتحعلی شاه، نوه اش محمدشاه و پس از او ناصرالدین شاه که در آغاز جوانی بود، بر تخت نشست. در این دوره جامعه‌ی جهانی دوران تحول را می‌گذراند و با رویدادهای مهمی روبه‌رو بود از آن جمله انقلاب در فرانسه، سقوط ناپلئون بناپارت، گسترش فعالیت‌های فرمانروایی انگلستان در شبه قاره هند و مستعمراتی اروپاییان، مداخله‌ی نظامی انگلیس و روس در ایران و شکست پیاپی پادشاهان قاجاری که جامعه سنتی ایران را در معرض تندباد حوادث زمانه قرار داد.

پادشاهان قاجاری به یاری درباریان دست به اقداماتی زدند تا از جامعه‌ی رو به رشد جهانی عقب نمانند از این رو مدرسه‌ی دارالفنون را احداث و تعدادی محصل را به اروپا اعزام کردند. در این زمان، شیوه‌ی کهن نقاشی سنتی ایران را همراه با

روش و شکل نقاشی اروپایی در هم آمیخت. حاصل این تلفیق در تزیینات نقاشی ایرانی ایجاد سایه روشن و دورنماسازی ناقص در مناظر پشت سر اشخاص کشیده می‌شد. این شیوه توسط هنرمندانی چون مهرعلی، میرزا بابا، ابوالقاسم، ابوالحسن غفاری و ... به اجرا درآمده است.

در این دوره هنرمندان نقاش به دو شیوه کار می‌کردند: گروه اول هنرمندان «سنتی کار» بودند که با حفظ سنت نقاشی ایرانی و تلفیق آن با عناصر نقاشی غربی به شیوه‌ی مکتب اصفهان و یا شیراز به کار گل و بوته‌سازی و مصور کردن کتب یا قاب آینه و ... مشغول بودند. از جمله سمیرمی، علی مذهب و غیره (تصویر ۱-۵۰).



تصویر ۱-۵۰ - پرندگان و گل‌ها، بخشی از اثر، گواش و آبرنگ، مکتب اصفهان و تهران، اواخر قرن دوازدهم هجری، موزه سن پترزبورگ

گروه دوم هنرمندان «فرنگی کار» بودند که سعی داشتند هرچه بیش‌تر عوامل نقاشی طبیعت‌گرای اروپایی را وارد نقاشی ایرانی کنند. هنرمندانی مانند ابوالحسن غفاری (صنیع الملک)،

عبدالمطلب، ملک الشعرا و میرزا موسی را شامل می‌شد (تصویر ۱-۵۱). در این دوره، اولین مدرسه‌ی نقاشی و چاپ در سال ۱۲۷۸ هجری شمسی توسط ابوالحسن غفاری تأسیس شد.



تصویر ۵۱-۱- فتحعلی شاه، اثر میرزا بابا، رنگ و روغن روی بوم، مکتب تهران، اواخر قرن دوازدهم هجری، لندن

(حکیم‌الملک)، محمد فروغی، مستوفی‌الممالک و ... پیدا کرده بود، پس از اعلام مشروطیت به احداث مدرسه صنایع مستظرفه توفیق یافت.

نقاشی معاصر ایران

پس از انقلاب مشروطه، تحولی در نقاشی ایران ایجاد گردید. که می‌توان آن را در این دوره به سه گروه تقسیم کرد:
 ۱- گروه اول: شامل کمال‌الملک، اسماعیل آشتیانی، علی محمد حیدریان و کسانی است که به روش او و کاملاً با استفاده از نقاشی کلاسیک اروپا بدون توجه به اصول و روش نقاشی ایرانی، نقاشی می‌کردند (تصاویر ۱-۵۳ و ۱-۵۴).



تصویر ۱-۵۳- چهره‌ی ناصرالدین شاه، اثر کمال‌الملک، مکتب تهران، اوایل قرن چهاردهم هجری، موزه هنرهای معاصر

پس از آن نخستین نمایشگاه نقاشی ایران به دستور ناصرالدین شاه با تعدادی تابلو و مقداری عکس چاپ شده از آثار نقاشان اروپایی برپا گردید. در این زمان محمد غفاری که در مدرسه‌ی دارالفنون تحصیل می‌کرد به دربار شاه راه یافت و بعدها لقب کمال‌الملک گرفت. وی شدیداً تحت تأثیر نقاشان اروپایی بود. در این زمان، با کنار گذاشتن عناصر نقاشی ایرانی، ویژگی‌های نقاشی کلاسیک اروپایی عیناً به جای نقاشی ایرانی نشست (تصویر ۱-۵۲).



تصویر ۱-۵۲- قفس قناری و گربه - اثر کمال‌الملک، رنگ روغن روی بوم، مکتب تهران، قرن سیزدهم هجری

کمال‌الملک که در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به اروپا مسافرت کرد، در موزه‌های لوور، ورسای و رُم از آثار هنرمندانی چون روبنس، رامبراند، واندیک، تی‌سین، و ... بهره‌ها گرفت و پس از سه سال اقامت در اروپا، به ایران بازگشت. وی در آغاز، با مبارزان مشروطه‌طلب، مخفیانه همکاری کرد. به دلیل دوستی که با مشروطه‌طلبانی چون میرزا ابراهیم خان



تصویر ۱-۵۴- کاتب، اسماعیل آشتیانی، مکتب تهران، سال ۱۳۴۳ شمسی

ضیاءپور، ناصر اویسی، حسین زنده‌رودی، صادق تبریزی و ...
(تصاویر ۱-۵۵ و ۱-۵۶).

۲- گروه دوم: شامل کسانی‌ست که تحت تأثیر هنرهای سنتی ایران و پیروی از تکنیک و اصول نقاشی کلاسیک و یا مدرن غرب، دست به تلفیق و نوآوری زده‌اند مانند جلیل



تصویر ۱-۵۵- چوگان، اثر ناصر اویسی، رنگ و روغن روی بوم، دوره معاصر، تهران



تصویر ۱-۵۶- زوج، صادق تبریزی، آبرنگ روی کاغذ، دوره معاصر، مجموعه خصوصی

تهران کار می کردند. کسانی مانند حاج میرزا آقا امامی، حاج مصور الملکی، حسین بهزاد، هادی تجویدی و ... از این گروه اند (تصاویر ۱-۵۷ و ۱-۵۸ و ۱-۵۹).

۳- گروه سوم: شامل کسانی بودند که به شیوه ای کاملاً سنتی و به روش نقاشان قاجاری به کشیدن قاب آینه ها، قلمدان ها، پشت جلد ها و ... به روش نقاشی مکتب شیراز و نقاشی مکتب



تصویر ۱-۵۸- شیخ صنعان و دختر ترسا، آبرنگ و گواش، حاج مصورالملکی، مکتب تهران، قرن چهاردهم، موزه هنرهای ملی تهران



تصویر ۱-۵۷- گل و مرغ، شیوه پرداز، اثر حاج میرزا آقا امامی، مکتب تهران، قرن چهاردهم، موزه هنرهای ملی تهران



تصویر ۱-۵۹- حافظ، اثر حسین بهزاد، آبرنگ، آبان ماه ۱۳۳۶، تهران

هنرمندان با توجه به وضع بازار (سلیقه اروپاییان) و حمایت و تشویق دولت، به زنده کردن و رونق هنر نقاشی سنتی ایران اقدام کردند. از این رو تقلید از آثار نقاشی مکاتب تبریز و اصفهان دوره صفویه رایج شد.

به طور خلاصه دلایل بازگشت هنرمندان نقاش ایران معاصر به هنر گذشته و احیای مجدد آن را می‌توان این‌گونه برشمرد: نقاشان در این دوره ابتدا به کپی و تقلید محض از این آثار دست زدند ولی پس از آن برای جلب رضایت خریداران اروپایی سعی کردند بعضی از عوامل و عناصر نقاشی اروپایی مانند هندسه مناظر و مریا، آناتومی^۱، حجم‌پردازی، استفاده از رنگ‌های کدر و نورپردازی را در نقاشی ایرانی به کار گیرند تا توجه خریداران غربی را بیش‌تر به خود جلب کند.

در دوره‌ی پهلوی اول با بازگشت به هنر دوران صفوی به‌عنوان مدعی یک دولت ملی شیوه‌ی جدیدی در نقاشی ایجاد شد که به‌عنوان صنایع و هنر ملی شناخته و تقویت گردید.

از هنرمندان این دوره می‌توان حاج میرزا آقا امامی، حاج مصورالملکی، هادی تجویدی، ابوطالب مقیمی و حسین بهزاد را نام برد که همگی کارشان را تقریباً در یک دوره شروع کرده بودند. اینان در ابتدای کار سعی کردند که ارتباط خود را با نقاشی‌های گذشته حفظ کرده و آن‌ها را دوباره سازی کنند. ولی به تدریج هر کدام سعی کردند سبک و شیوه خود را به دست آورند.

حاج میرزا آقا امامی با حفظ سنت‌های نقاشی ایرانی به شیوه‌ی کار سوخت^۲ و نقاشی روی چرم و پوست روی آورد ولی حسین بهزاد در آثار خود اندکی به آناتومی واقعی انسان توجه کرد و حاج مصور با به‌کارگیری پرسپکتیو و نوآوری‌هایی در قلم‌گیری، آثار قابل توجهی به‌وجود آورد.

در این دوره دولت که سعی داشت به گونه‌ای هنرهای ملی را حفظ نماید دست به اقداماتی زد. با استفاده از هنر دوره‌ی صفوی به تأسیس «مدرسه هنر» و ساخت کاخ‌ها همّت گماشت. در مدرسه «صنایع مستظرفه» به مدیریت کمال‌الملک، دو رشته

نقاشی و مجسمه‌سازی آموزش داده می‌شد. این مدرسه به دو بخش تقسیم گردید. بخش اول مدرسه «صنایع جدید» که به تدریس نقاشی کلاسیک اروپا می‌پرداخت و در آن کمال‌الملک، اسماعیل آشتیانی، ملک‌الشعرا، هادی تجویدی مشغول بودند و بخش دوم، مدرسه، «صنایع قدیمه» که می‌بایست در آن رشته‌های نقشه‌ی فرش، منبت‌کاری، موزاییک‌کاری و نگارگری تدریس شود. در پی تأسیس آن به دعوت ذکاء‌الملک وزیر معارف وقت، از استاد حسین طاهرزاده بهزاد^۳ که در ترکیه مشغول تدریس رشته‌ی تذهیب بود و مراجعت وی به ایران به ریاست مدرسه «صنایع قدیمه» منسوب شد. در این مدرسه او تدریس نقشه‌ی فرش را به عهده گرفت و برای یافتن بهترین استاد نقاشی ایرانی مسابقه‌ای ترتیب داد که اساتیدی چون هادی تجویدی، تائب، حسین بهزاد، الطافی، علی درودی، و عده‌ای دیگر از تبریز، مشهد، اصفهان و شیراز در آن شرکت کردند. هادی تجویدی نفر اول، تائب دوم و بهزاد سوم شدند و هادی تجویدی به‌عنوان اولین استاد نگارگری در مدرسه‌ی صنایع قدیمه معرفی شد. علی کریمی که در رشته‌ی نقاشی در مدرسه صنایع جدید تحصیل می‌کرد اولین کسی بود که در کلاس نقاشی ایرانی ثبت نام کرد. سپس زاویه، اشراقی، مقیمی، تقوی، مطیع و ... در مدرسه ثبت نام کردند. به این ترتیب نگارگری وارد مرحله‌ی جدیدی شد و هنرمندان بسیاری از این مدرسه فارغ‌التحصیل شدند. برخی از این هنرمندان و شاگردانشان بار سنگین هنر نگارگری ایران را بردوش کشیده و حفظ کردند. در این میان کسانی هستند که همچون صنعتگری چیره‌دست در پی ساخت و ساز یک قطعه زیبا مهارت یافتند و برخی از آنان بی‌توجه به زمان و مکان و فضای گذشته در تقلید از آثار، تنها به ظاهر آن پرداختند. در صورتی که دانستن روش کار اگر با فهم معانی توأم نباشد کافی نیست. علم و معرفت اساس و پایه‌ی هنر است.

از این رو هنرمندان گذشته‌ی ما هیچ‌گاه به نمایش زیبایی در چهره‌ها نپرداخته‌اند زیرا این کار خواه‌ناخواه به گونه‌ای به زیبایی‌های ظاهری منتهی می‌شد. اگر کمال‌الدین بهزاد، سلطان

۱- به تصویر کشیدن، حالات و حرکات طبیعی بدن انسان

۲- سوخت به نوعی از نقاشی روی چرم اطلاق می‌شود که از چرم‌های بریده شده و مانند معرق کنار هم قرار گرفته و سپس روی آن نقاشی شده و اطراف حاشیه به‌وسیله قالب‌های مخصوص داغ شده باشد.

۳- استاد حسین طاهرزاده بهزاد، استاد حسین بهزاد دو شخصیت متفاوت هستند.

هنرمندانی بودند که با حفظ سنت‌های نقاشی ایرانی با ابتکارات و نوآوری‌های خود نه تنها وارث هنر پراچ گذشته خود بوده بلکه مایه افتخار آیندگان نیز شدند.

محمد، میرک هروی و بسیاری دیگر از نوابغ هنر نقاشی ایران در زمان خویش آثاری را به جهان هنر عرضه کرده‌اند، آن آثار تجسم واقعی همان زمان و مکان و فضا است. هرچند در این میان

سوالات فصل اول

- ۱- خصوصیات نقاشی ایران را به اختصار بنویسید.
- ۲- مکاتب مختلف نقاشی ایران به چه اسامی نام گذاری شده است؟ خصوصیات مکتب هرات را شرح دهید.
- ۳- تفاوت مکتب تبریز در دوره اول با مکتب تبریز در دوره دوم در چیست؟ تاریخ و خصوصیات آن را شرح دهید.
- ۴- یکی از هنرمندان به نام مکتب تبریز در دوره دوم را نام برده و ویژگی‌های آثارش را شرح دهید.
- ۵- گرایش‌های مختلف دوره صفوی را شرح داده و نام یکی از هنرمندان هر گرایش را ذکر کنید.
- ۶- آثار یکی از هنرمندان معاصر را جمع‌آوری و ویژگی‌های آن‌ها را در کلاس شرح دهید.
- ۷- با یکی از استادان نگارگر منطقه‌ی خود مصاحبه کرده و گزارش تهیه نمایید.